

## تحلیل چگونگی ارتباط بانکداری اسلامی با بخش

### حقیقی اقتصاد

محمد تقی نظرپور\*

میترا علیا\*\*

#### چکیده

در حالی که ارتباط بانکداری ربوی با بخش حقیقی اقتصاد ضروری نیست و به اصطلاح لابشرط است، یعنی می‌تواند با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط داشته و یا نداشته باشد، در بانکداری اسلامی ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد ضروری و به اصطلاح به شرط شیء است. بر این اساس، تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری ربوی در صورتی که تضمین و اطمینانی برای برگشت اصل و فرع منابع در قالب قرارداد قرض ربوی وجود داشته باشد، برای سپرده‌گذار و بانک جای نگرانی نیست. البته این هرگز بدان معنی نیست که بانکداری ربوی با بخش حقیقی اقتصاد اصلاً ارتباطی ندارد. زیرا بی‌تردید بخشی از رشد و پیشرفت اقتصادی دنیای غرب مدیون نظام بانکی است. بنابراین، بررسی و تبیین نظری چگونگی ارتباط نظام بانکداری ربوی و اسلامی برای شناخت بیشتر این دو نظام در عرصه تجهیز و تخصیص منابع و اثراتی که می‌توانند بر رشد و پیشرفت و ثبات بیشتر اقتصادی و کنترل نوسانات اقتصادی در هر جامعه‌ای داشته باشند، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

پژوهش حاضر با به کارگیری روش توصیفی و تحلیل محتوى و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که بانکداری اسلامی در بخش تجهیز و تخصیص منابع با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط دارد. نتایج تحقیق حاکی از این است که تمامی عقود شرعی مورد استفاده در تجهیز و تخصیص منابع بانکی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با بخش حقیقی اقتصاد پیوند داشته و چنانچه به درستی اجرا شوند، به رشد، پیشرفت و ثبات بیشتر در بخش‌های مختلف اقتصادی منجر خواهند شد.

وازگان کلیدی: بانکداری اسلامی، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی، بخش حقیقی اقتصاد

طبقه‌بندی JEL G19, G32, G01

Email: nazarpur@mofidu.ac.ir.....\*

Email: mitra\_olia@yahoo.com.....\*\*

## مقدمه

بحران‌های اقتصادی در سال‌های اخیر و ثبات بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی توجه بسیاری کشورها از جمله کشورهای غربی را معطوف به این شیوه بانکداری نموده است. اخیراً تلاش‌های بسیاری برای تبیین و شناسایی عملکرد بانکداری اسلامی صورت گرفته است و بعضی کشورهای غربی با رغبت بیشتری جهت شناسایی سازوکار حاکم بر این نظام بانکی به پژوهش و تحقیق پرداخته‌اند. به هر حال، در کشور ما از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی تلاش‌های بسیاری جهت تغییر نظام بانکداری ربوی حاکم به نظام بانکداری اسلامی با به کارگیری عقود شرعی صورت پذیرفته است و هم‌اکنون نیز روز به روز شاهد پیشرفت و به کارگیری هرچه بیشتر عقود اسلامی جهت تخصیص منابع تجهیز شده و برقراری پیوندهای عمیق‌تر با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشیم.

در پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و تبیین پیوند عقود شرعی به کارگرفته شده در تجهیز و علی‌الخصوص تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا در ایران (به عنوان مصادقی از بانکداری اسلامی) با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشیم. این پژوهش با به کارگیری روش توصیفی و تحلیل محتوها و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی این فرضیه می‌پردازد که بانکداری اسلامی در بخش تجهیز و تخصیص منابع با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط دارد.

در تحقیق پیش رو پس از بیان پیشینه تحقیق ابتدا به طور مختصر مقصود از بخش حقیقی اقتصاد را تبیین نموده و سپس چگونگی تعامل بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد را بررسی می‌نماییم. در گام بعد، شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی را تشریح و به چگونگی ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد می‌پردازیم. پس از آن ارتباط عقود مبادله‌ای و مشارکتی را با بخش حقیقی اقتصاد به نحو مبسوط مورد بررسی قرار داده و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث طرح شده خواهیم پرداخت.

### ۱. پیشینه تحقیق

جستجو و بررسی مقالات و منابع متعدد داخلی و خارجی حکایت از آن دارد که تاکنون مستقلأً توجه چندانی به موضوع پژوهش حاضر نشده است. گرچه به صورت بسیار پراکنده در برخی مقالات و کتاب‌هایی که به نحوی با موضوعات بحران اقتصادی و بانکداری اسلامی پیوند خورده‌اند، می‌توان ردپایی از موضوع موردنظر را یافت که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## ۱-۲. مطالعات داخلی

نظرپور، رضایی و خزایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی» با روش توصیفی و تحلیل محتوا، به بررسی تأثیر بحران مالی اخیر بر دو سیستم بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی پرداخته و بیان می‌دارند که بانکداری اسلامی توانسته است در طول بحران ضمن حفظ ثبات، شاهد رشد دارایی‌های خود نیز باشد که مهمترین دلایل این مساله را منوعیت انجام معامله‌های ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد، انعطاف‌پذیری هزینه‌های جذب سرمایه و محدودیت فعالیت‌های سفت‌هزینه بازی می‌دانند.

موسویان (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر، کارآبی بالاتر»، با روش تحلیلی و توصیفی به تشریح این مساله می‌پردازد که علت اصلی ثبات بیشتر بانکداری اسلامی در مقابل بحران مالی جهانی در مقایسه با بانکداری متعارف، تفاوت ماهوی این دو نظام است. به طوری‌که در بانکداری متعارف، بهره به طور گستردگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز به صورت برونز و مستقل از اقتصاد واقعی تعیین می‌گردد، در صورتی که در نظام بانکداری اسلامی عقود اسلامی به کارگرفته می‌شود و به جای نرخ سود برگرفته از اقتصاد واقعی استفاده می‌گردد.

فراهانی‌فرد، نظرپور و بایی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی کارآبی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی (مطالعه موردی بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹)»، با استفاده از روش تحلیل پوششی دادها (*CCR* مدل)<sup>۱</sup> به دنبال اثبات این فرضیه است که کارآبی نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی در برابر بحران مالی (۲۰۰۹-۲۰۰۷) بیشتر است. و سپس با برآورد کارآبی ۱۰۰ بانک در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸ با استفاده از مدل *CCR* که از این تعداد ۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیراسلامی (خاورمیانه) بوده است، نشان می‌دهند بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیراسلامی طی سال‌های بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ کارآبی بیشتری داشته‌اند.

داودی و عیسوی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بحaran اقتصادی و راه حل‌های اقتصاد اسلامی»، معتقدند که نظام اقتصادی سرمایه‌داری به گواه تاریخ، همیشه درگیر بحران بوده است. بررسی بحران‌ها یی همچون بحران ۱۹۲۹ آمریکا و بحران ۲۰۰۸ این کشور گویای آن است که این نظام ذاتاً بحران‌زاست. افرادی همچون کینز در تحلیل خود ریشه اصلی این مساله را ماهیت این نظام می‌دانند که مبتنی بر وجود بازار پول و پذیرش بهره در آن بازار است. اما راه حلی که امثال کینز ارائه می‌دهند معمولاً کوتاه‌مدت است و از طریق تجویز دخالت دولت در مکانیزم بازار در صدد

- 
1. Data envelopment analysis
  2. Correlated Component Regression

رفع مشکل هستند. این چنین راه حل هایی گرچه درمان موقت بوده اند، اما نتوانسته اند مشکل بحران ها را اقتصادی را به طور ریشه ای حل کنند. اسلام از اساس با تحریم ربا، ریشه این گونه بحران ها را اقتصادی را خشکانده است، لذا به نظر می آید که نظام مالی و اقتصادی اسلام از این بعد نسبت به نظام سرمایه داری از کارآیی بیشتری برخوردار است و برآن برتری دارد.

با توجه به مطالعات فوق می توان بیان داشت، برقراری رابطه بخش پولی و حقیقی اقتصاد از علل ثبات ذاتی نظام بانکداری اسلامی است. ظهور این ثبات را می توان در جریان بحران مالی اخیر که منجر به ورشکستگی گسترده بانک های ربوی آمریکا و کشورهایی که از این شیوه تبعیت می نمودند، ملاحظه کرد، زیرا که، طی این بحران، بانک های اسلامی با توجه به اینکه از عقوب مختلف که در تعامل با بخش حقیقی اقتصاد می باشند استفاده می نمایند، کیفیت دارایی های بهتری داشته و توانسته اند ثبات خود را حفظ کنند.

## ۲-۲. مطالعات خارجی

رُزمُن، عبد و هاب و زینل<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، در مقاله ای تحت عنوان «کارآیی بانک های اسلامی در طی بحران مالی: تجزیه و تحلیل خاور میانه و کشورهای آسیایی» با استفاده از تجزیه و تحلیل پوششی داده ها و اتخاذ روش واسطه گری<sup>۲</sup> کارآیی بانک های اسلامی را اندازه گرفته و به این مساله می پردازند که جهان اقتصاد هنوز از پیامدهای بحران مالی اخیر که سبب ورشکستگی چندین بانک شد، رنج می برد. همین مساله سبب ترغیب اقتصاد دانان سراسر جهان برای جستجوی راه حل جایگزین گردید که در نهایت توجه ها را به سمت بانکداری اسلامی جلب کرد. این مقاله سطح کارآیی بانک های اسلامی را در طی بحران مالی، در خاور میانه و کشورهای آسیایی (در مجموع ۷۹ بانک اسلامی) از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ اندازه گیری نموده و یافته های مقاله نشان می دهد، بانکداری اسلامی عملکرد پایداری در طی بحران داشته، هر چند، غالب بانک های اسلامی از نظر مقیاس ناکارا بوده اند و بیشتر آنها بازده نزولی به مقیاس داشته اند. در نهایت یافته های مقاله تصریح می نماید که سودآوری و سرمایه گذاری دو عامل مهم و تعیین کننده در کارآیی بانک های اسلامی بوده اند.

بک، کانت و مروش<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)، در مقاله ای تحت عنوان «بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری ربوی: مدل تجاری، کارآیی و ثبات»، به این مساله پرداخته اند که بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی چقدر با یکدیگر تفاوت دارند و اینکه آیا بحران اخیر، توجه بیشتر به مدل تجاری بانکداری سازگار با شریعت را می تواند توجیه کند. آنان در مقاله خود بیان می دارند که در مقایسه بانک های اسلامی و

1. Romzie Rosman, Norazlina Abd Wahab, Zairy Zainol

2. Intermediation approach

3. Thorsten Beck, Asli Demirguc-Kunt, Ouarda Merrouche

ربوی چند تفاوت معنادار در جهت‌گیری تجاری آنها ملاحظه می‌گردد. از جمله اینکه در بانک‌های اسلامی کارآبی هزینه کمتر بوده و نسبت مداخله<sup>۱</sup> افزون‌تر است. ولیکن، کیفیت دارایی‌ها در آنها بالاتر می‌باشد و سرمایه‌گذاری در آنها بهنحو بهتری صورت گرفته است. از طرفی در طول بحران این سیستم بانکداری منابع کمتری را بهدلیل فرار پساندازها برای سرمایه‌گذاری در عرصه‌هایی که سودآورترند مانند بازار سهام و غیره از دست داده است. همچنین، عملکرد سهام بانک‌های اسلامی در طی بحران اخیر نیز بهسبب فرونی ارزش کل سرمایه و کیفیت بهتر دارایی‌های آنها مناسب‌تر بوده است.

حنیف<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌ها و تشابهات بانکداری اسلامی و بدون ربا»، با اتخاذ روش تحلیلی- توصیفی بیان می‌دارد که، بانک‌های اسلامی علی‌رغم ناهمخوانی با چارچوب و شیوه مالی موجود، رشد سریع و بی‌سابقه‌ای داشته‌اند. به‌طوری‌که، در انتهای سال ۲۰۱۲ با احتساب ۵۰ کشور، ظرفیت بانک‌های اسلامی به بیش از ۱۴۶۰ میلیارد دلار رسیده است. خاورمیانه به عنوان مرکز بانکداری اسلامی مشارکت ۷۴ درصدی در این شیوه بانکداری داشته و سهم بقیه دنیا از این روش ۲۶ درصد بوده است.<sup>۳</sup> در ادامه مقاله سه چالش عمده برای بانکداری اسلامی بر شمرده می‌شود؛ اول، اینکه عملیات بانکی مطابق با شریعت تحت تأثیر نز بهره قراردارد، حتی در جوامع اسلامی. دوم، در کی است که شاغلان صنعت مالی درباره عملکرد آن دارند به این معنی که آیا آن را قادر به پاسخ‌گویی به کل نیازهای صنعت و تجارت می‌دانند یا نه. سوم، در ک اکثریت مسلمانان از این مساله که آیا سیستم بانکداری اسلامی موجود مطابق با شریعت است یا اینکه فقط کپی‌برداری از بانکداری ربوی است که زیر پرچم شریعت قرار گرفته است. در این مطالعه شواهد ارائه شده نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی هم مانند بانکداری بدون ربا محدودیت‌های خاص خود را دارد، مانند آنچه که از طرف شریعت بر آن تحمیل می‌گردد. با این وجود بانکداری اسلامی بسیاری از الزامات تجاری را با موفقیت پوشش می‌دهد، بنابراین درست نیست که این شیوه بانکداری کاملاً بیگانه با دنیای تجارت تصور گردد. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد نمی‌توان بانکداری اسلامی را کپی‌برداری صرف از بانکداری ربوی دانست چرا که تفاوت‌های نسبتاً جدی در عملکرد مؤسسات مالی اسلامی (IFIs)<sup>۴</sup> با بانکداری ربوی وجود دارد. چنانکه دیده می‌شود IFIs موفق به اعتمادسازی در نظر سپرده‌گذاران گردیده و سپرده‌ها را براساس مشارکت در سود و زیان دریافت

1. Intermediation Ratio

2. Muhammad Hanif

3. آمارهای مربوطه با توجه به مقاله به روز شده محقق تحت همین عنوان که در ۲۶ آوریل سال ۲۰۱۴ منتشر گردیده، مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

4. Islamic Financial Institutions

می‌کند. اگرچه گزینه‌های مالی و سرمایه‌گذاری در دسترس در بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری ربوی محدودتر است.

چپرا<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، در کتابی تحت عنوان «بحran مالی جهانی»، تلاش می‌کند به علت یا علل اصلی بحران مالی جهانی که بسیاری از مردم در سرتاسر جهان را در سه دهه اخیر درگیر خود کرده است، پپردازد. او همچنین بیان می‌نماید، بحران اخیر وام‌های مسکن بدون پشتوانه در آمریکا که اثرات آن به سراسر جهان گسترش یافته، از اهمیت خاصی برخوردار است. وی در کتاب خود استدلال می‌کند، که یکی از علل اصلی این بحران نبود مشارکت در ریسک می‌باشد. که این مساله سبب کمرنگ شدن نظم و انضباط بازار مالی گردیده و منجر به وام دهی بیش از حد، قدرت نفوذ بالاتر، سفت‌بازی و افزایش ناپایدار قیمت دارایی‌ها می‌شود. انهدام بعدی، باعث سوق یافتن به چرخه معیوبی از فروش می‌شود که خودش را تغذیه می‌کند و منجر به کاهش شدید قیمت دارایی‌ها شده که به نوبه خود سبب ایجاد بحران مالی و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. تقسیم ریسک به هموار در دسترس بودن اعتبار برای خرید کالاها و خدمات واقعی که از اهداف معرفی مالیه اسلامی است، می‌تواند به تزریق نظم بیشتر به سیستم کمک کند و در نتیجه‌ی پایداری ایجاد شده ناپایداری مالی کاهش می‌یابد و نظم بیشتر در سیستم مالی، وام‌گیرندگان بدون پشتوانه را از اعتبار محروم خواهد ساخت.

بنابراین، در حالی که رُزمن و همکاران (۲۰۱۴)، سرمایه‌گذاری کاراتر و سودآوری را از ویژگی‌های بانکداری اسلامی ذکر می‌کنند و بیان می‌دارند که بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های ربوی در طی بحران اقتصادی ثبات بیشتری داشته‌اند، در مطالعه‌ی پک و همکاران (۲۰۱۳)، علاوه‌بر سرمایه‌گذاری کاراتر کیفیت بهتر دارایی‌ها نیز از دیگر شاخصه‌های مشبت بانکداری اسلامی برشمehrde می‌شود و اذعان می‌گردد که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های ربوی در طی بحران منابع کمتری را به واسطه عدم اعتماد سپرده‌گذاران از دست داده‌اند.

همچنین، حنیف (۲۰۱۱)، مشارکت در سود و زیان و جلب اعتماد سپرده‌گذاران را از شاخصه‌های تمیزدهنده‌ی بانکداری اسلامی از بانکداری ربوی می‌داند و در نهایت، چپرا (۲۰۰۹) معتقد است که تقسیم ریسک و در دسترس بودن اعتبار برای خرید کالاها و خدمات واقعی که به قسمی می‌توان آن را از اهداف بازارهای مالی اسلامی دانست سبب جلوگیری از بروز بحران مالی و باعث پایداری اقتصادی در جوامع می‌گردد.

1. Muhammad Umer Chapra

## ۲. بخش حقیقی اقتصاد

همان‌گونه که در ابتدای مقاله مطرح گردید، ارتباط بانکداری ربوی با بخش حقیقی اقتصاد لابه‌شرط است ولی در بانکداری اسلامی ارتباط با بخش حقیقی ضروری و به‌شرط شیء است. در این قسمت مناسب است، بخش حقیقی تعریف گردد. هنگامی که در بانکداری اسلامی گفته می‌شود بایستی در بخش واقعی اقتصاد امری واقع گردد، مقصود این نیست که در واقع خارجی چیزی به‌صورت ملموس و قابل رویت ایجاد و ساخته شود بلکه مقصود تأثیرات این عقد در بازار واقعی و تأثیری است که می‌تواند بر تولید کالاها و خدمات ایجاد نماید. بنابر این، بایستی بخش حقیقی را فراتر از این دانست که فقط تولید کالا و خدمت به‌صورت مستقیم صورت گیرد. در نتیجه، اگر بستر تولید کالا فراهم گردد و رونقی در اقتصاد از جهت گردش کالاها ایجاد شود، رابطه با بخش حقیقی اقتصاد برقرار شده است.

به‌عبارت دیگر، مقصود از بخش حقیقی این است که از مبادله پول با پول فاصله بگیریم و پول ابتدا با کالا و سپس با پول مبادله گردد. زیرا آنچه که سبب ربوی شدن معاملات می‌شود، مبادله پول با پول و دریافت مبلغ مازاد در قالب قرارداد قرض است.

در بانکداری اسلامی گاهی ارتباط با بخش حقیقی مانند آن چیزی است که در عقود مشارکتی مانند مشارکت مدنی، مزارعه و مساقات دیده می‌شود که واقعاً قرارداد منجر به افزایش تولید می‌شود و گاهی مانند خرید دین است که لازم است قبل از اینکه خرید دین توسط بانک صورت بگیرد اطمینان حاصل گردد، معامله‌ای در بخش حقیقی اقتصاد زمینه‌ساز تحقق دین گردیده است؛ یعنی لازم است بخش حقیقی بر بخش پولی سبقت بگیرید. مثلاً تولید کننده کالایی را به خریدار فروخته و به‌جای اخذ مبلغ نقد، اسناد تجاری مدتداری را دریافت نموده ولی تمایل دارد قبل از سرسید به مبلغ نقد دسترسی یابد.

## ۳. تعامل بانکداری ربوی با بخش حقیقی و پولی

نظام بانکداری ربوی برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و به‌طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به‌صورت برونوza از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد. تأکید نظام سرمایه‌داری بر حداکثر کردن سود، طراحی انواع ابزارهای مالی بیش از ظرفیت اقتصاد واقعی، رقابت فوق العاده مؤسسات بانکی و غیر بانکی در خرید و فروش این ابزارها و کاهش ایده نظارت و کنترل بر مصرف اعتبارات اعطایی دست به دست هم داده، بحران اخیر اقتصاد سرمایه داری را رقم زندد (موسویان (الف)، ۱۳۸۸).

از سال ۱۹۸۱ تاکنون امریکا سه بار با بحران روبه رو شده است. یکی بحران مالی اولین دهه ۱۹۸۰ است که به بحران بدھی معروف شد. این بحران در پی اعتبارات گستردگی برای صنعتی شدن در کشورهای امریکای لاتین شکل گرفت. این اعتبارات که از راه وام از بانکهای تجاری تأمین می شد، سبب شد که بدھی امریکای لاتین به بانکهای تجاری از حدود ۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۳۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ رسید که نیمی از تولید ناخالص داخلی منطقه را تشکیل می داد (بنیاد مطالعات امریکای لاتین، ۱۹۸۶، ص ۶۹). امریکایی ها برای مقابله با این حوادث به اتخاذ سیاست های انساسی اقدام کرده، بهره بانکی را کاهش داده، نرخ مالیات ها را متعدد کرده و کوشیدند تا زمینه بازسازی اقتصاد سرمایه داری را فراهم کنند (برهانی، ۱۳۸۸، ص ۹۶). یکی از علل اصلی این بحران نبود مشارکت در ریسک می باشد. که این مساله سبب کم رنگ شدن نظم و انسباط بازار مالی گردیده و منجر به وام دهی بیش از حد، قدرت نفوذ بالاتر، سفت هبازی و افزایش ناپایدار قیمت دارایی ها می شود. انهدام بعدی، باعث سوق یافتن به چرخه معموبی از فروش می شود که خود را تغذیه می کند و منجر به کاهش شدید قیمت دارایی ها شده که به نوبه خود سبب ایجاد بحران مالی و کاهش رشد اقتصادی می گردد (چپرا، ۲۰۰۹ م).

ریشه اصلی این بحران ها، شکنندگی بازارهای مالی و ناهمانگی آن با بازار کالا است. این ناهمانگی ها زمانی پدید آمد که پول نقشی فراتر از وسیله مبادله در اقتصاد به عهده گرفت و برای آن قیمتی (نرخ بهره) فارغ از بخش واقعی اقتصاد تعیین شد. به این ترتیب پول مانند کالاهای مورد مبادله قرار گرفت و بازار پول و بازار کالا به صورت مجزا شکل گرفت؛ زیرا وقتی نرخ بهره عامل ثابتی برای تخصیص منابع پولی در جامعه شود، در این صورت بازار پول از همانگی با بخش واقعی خارج می شود چرا که دیگر عامل تخصیص منابع براساس ملاحظات بخش واقعی اقتصاد نیست. این همان نکته ای است که کینز در دهه ۱۹۳۰ به آن اشاره کرد؛ اما در عمل سیاست گذاری های اقتصاد در نظام سرمایه داری بر مبنای آن شکل نگرفت (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰). وقوع بحران اخیر و بسیار بانکداری اسلامی به عنوان جایگزین مناسبی برای نظام فوق مطرح گردد (میرآخور، ۲۰۰۸ م).

بنابراین، در نظام بانکداری ربوی نرخ بهره مستقل از بازار کالا و در بازار پول شکل می گیرد و نرخی که بدین ترتیب تعیین گردیده زمینه تخصیص منابع را به صورت لا به شرط از بخش حقیقی اقتصاد بوجود می آورد که در خود الزامی جهت برقراری رابطه نزدیک با بخش حقیقی نخواهد دید. از سوی دیگر، رابطه های بانک و گیرنده اعتبار پس از دریافت وام به کلی منقطع گردیده و نظارتی بر چگونگی هزینه کرد منابع اعطایی صورت نمی پذیرد و همین امر سبب شده است که در دهه های اخیر کشورهایی که از این نظام بانکی استفاده نموده اند، به طور مداوم با بحران های مواجه شوند.

به همین جهت است که نظام سرمایه‌داری در عرصه بانکداری در پی چاره‌جویی برای رفع نواقص بانکداری ربوی اخیراً اشتیاق قابل توجهی نسبت به بانکداری اسلامی که در آن تخصیص منابع از طریق عقود شرعی انجام می‌گیرد.

#### ۴. تعامل بانکداری اسلامی با بخش حقیقی و پولی

در نظام اسلامی با تحریم ربا، زمینه‌ای برای اختصاص پس‌انداز به معامله‌های ربوی وجود ندارد، لذا یگانه راه برای کسانی که قصد کسب درآمد از پس‌اندازشان دارند، درگیر شدن با بخش واقعی اقتصاد است. این امر سبب می‌شود، تمام وجوهی که پیش از این صرف وام‌های ربوی می‌شد، اینک به بخش حقیقی اقتصاد عرضه شود و در نتیجه وجوه عرضه شده برای سرمایه‌گذاری در تمام عرصه‌های اقتصادی افزایش پیدا می‌کند (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰).

در حقیقت بانکداری اسلامی با حذف قرارداد قرض با بهره در بخش اعطای تسهیلات به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهای واقعی استفاده می‌کند به این معنا که برای تأمین مالی خانوارها و نیازهای کوتاه‌مدت و مقطوعی بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهایی مانند: فروش اقساطی، اجاره بهشرط تملیک و جuale استفاده می‌کند. در این قراردادها ابتدا در اقتصاد واقعی کالا یا خدمتی تولید می‌شود، سپس بانک با تهیه نقدی آن کالا یا خدمت، آن را به صورت مدتدار به مشتری وامی‌گذارد؛ در نتیجه چنین قراردادهای اعتباری به هیچ‌وجه نمی‌توانند از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند؛ بلکه همیشه در چارچوب اقتصاد واقعی خواهند بود (موسویان، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۰).

همچنین، عقدهای مشارکتی در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت به جای قرض با بهره استفاده می‌شوند. پس، به علت ممنوعیت ربا در اقتصاد اسلامی و به کارگیری روش‌های تأمین مالی مشارکتی و غیرمشارکتی در بانکداری اسلامی عرضه پول به صورتی انجام می‌شود که به طور مستقیم به بخش واقعی اقتصاد گره خورده و مستقل از آن نیست (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰).

تعامل بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد و و استگی نرخ‌های سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به بازدهی تولید، نکته کلیدی ثبات بیشتر این نظام در مقابل تکانه‌های اقتصادی است. در جدول مقایسه‌ای فوق به طور خلاصه می‌توان تفاوت‌های نظام بانکداری اسلامی (نظام بانکداری بدون ربا) و بانکداری ربوی را بیان نمود.

جدول (۱): مقایسه بانکداری اسلامی (بانکداری بدو ربا) و بانکداری ربوی

نوع رابطه بین بانک و مشتری در تجهیز منابع	نوع قرارداد در تخصیص منابع	ارتباط با احکام دینی و فقهی	ویژگی های شاخص
بانکداری ربوی	بانکداری اسلامی (بانکداری بدو ربا)		
قرض با بهره	قرض الحسن <sup>۱</sup> و وکالت <sup>۲</sup>		
قرض با بهره	قرض الحسن، عقود مبادله‌ای <sup>۳</sup> و مشارکتی <sup>۴</sup> و سرمایه‌گذاری مستقیم		
مستنی بر باورهای اسلامی و التزام بر پایبندی به محدودیت قوانین و احکام شریعت			
۱. ربا به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر در معاملات بانکی	۱. ممنوعیت انجام معاملات ربوی (استفاده از سود به جای بهره)		
۲. ایفای نقش واسطه میان قرض دهنده و قرض گیرنده و عدم ضرورت تعامل با بخش واقعی اقتصاد	۲. تأکید بر قراردادهای واقعی		
۳. انتقال رسیک سرمایه‌گذاری در عقود مشارکتی	۳. توزیع رسیک سرمایه‌گذاری در عقود		
۴. خلق پول بدون اعتنا به بخش واقعی	۴. برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی		
۵. عدم انعطاف نرخ بهره در شرایط رونق و رکود (افزایش تقاضای در شرایط رونق و بالعکس)	۵. انعطاف‌پذیری هزینه‌های جذب سرمایه		
۶. انجام فعالیتهای سفت‌های بازاری ارزش‌های فراتر از ارزش دارایی‌های پایه	۶. محدودیت فعالیتهای سفت‌های بازاری		
۷. قطع رابطه مشتری با بانک پس از تحويل تسهیلات	۷. نظارت بر مصرف اعتبارات بانکی خصوصاً در عقود مشارکتی		

مأخذ: نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰ و موسویان، ۱۳۸۸ - الف.

۱. در سپرده‌های جاری و پس‌انداز
۲. در سپرده‌های سرمایه‌گذاری
۳. مرابحه (فروش اقساطی)، اجاره، اجاره به شرط تمليک، سلف، جuale، استصناع و خريد دين.
۴. مشارکت مدنی (مشارکت تناقصی)، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات.

**۵. شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی و ارتباط آن با بخش حقیقی**  
در پژوهش حاضر در صدد شناخت بیشتر نظام بانکداری بدون ربا در عرصه تجهیز و تخصیص منابع و چگونگی ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد هستیم. در این قسمت به طور مختصر شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم.

دو نظام بانکداری ربوی و غیر ربوی، از نظر تجهیز منابع پولی تشابه مختصراً با یکدیگر دارند؛ اما از نظر شیوه مصرف منابع پولی کاملاً متمایزند. در نظام ربوی، بانک به وساطت از سوی سپرده‌گذاران، بدون اینکه عملاً در فعالیت اقتصادی سهم یا نقشی داشته باشد، وام یا اعتبار می‌دهند و در نظام غیر ربوی، شبکه بانکی به وکالت از سوی صاحبان سپرده، از طریق عملیات بانکداری مبتنی بر عقود اسلامی در تولید یا خدمتی اقتصادی سهیم می‌شوند ( حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۳۲ و ۳۴).

در بانکداری بدون ربا، در بخش تجهیز منابع، سپرده‌های قرض الحسنہ جاری و پسانداز براساس قرض بوده، همانند بانکداری بدون ربا رابطه بانک با سپرده‌گذار رابطه بدھکار و بستانکار است؛ یعنی بانک به اندازه مبلغ سپرده، بدھکار صاحب حساب می‌شود؛ اما در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، از یک طرف رابطه وکالت است و از طرف دیگر سودی که برای سپرده‌گذار در نظر گرفته می‌شود، سود معینی نیست (موسوبان، ۱۳۸۴، ص ۵۹). همچنین، سپرده‌های حساب جاری برای بازپرداخت بدھی‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وجود تسهیلات حساب جاری سبب می‌شود فعالان اقتصادی هنگام نیاز فوری و مقطعي، به آسانی به منابع مالی مورد نیاز دست یابند و این سبب رونق اقتصادی و توسعه بازار می‌شود (توكلی، ۱۳۹۲، ص ۳۶۴).

در بخش تخصیص منابع، بانک‌های اسلامی می‌توانند از قراردادهای قرض الحسنہ، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده نمایند.

قرض الحسنہ قراردادی است که در آن، بانک‌ها در جایگاه قرض‌دهنده، مبلغ معینی را طبق ضوابط به افراد یا شرکت‌ها به قرض واگذار می‌کنند. گیرنده قرض متعهد می‌شود مبلغ دریافتی را طبق زمانبندی مشخص پردازد. این روش از اعطای تسهیلات، با اهداف خیرخواهانه و کمک به نیازمندان و غیرانتفاعی است؛ یعنی بانک بابت منابع قرض داده شده، سودی دریافت نمی‌کند و فقط در مقابل هزینه‌ها کارمزد دریافت می‌کند (هدايتی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

طبق ماده ۱۴ قانون بانک‌ها مجازند در موارد زیر اقدام به اعطای قرض الحسنہ کنند:

۱. به شرکت‌های تولیدی و خدماتی (غیر از بازرگانی و معدنی) که فعالیت آنها اشتغال‌زا و در جهت تأمین مایحتاج ضروری جامعه است.
۲. به افرادی که مستقیماً به امور کشاورزی و دامپروری مبادرت نمایند.

۲. برای رفع نیازهای افراد در مواردی چون: هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها.

از طرفی از آنجا که قرض الحسن می‌تواند به دو گونه مصرفی و تولیدی تقسیم شود، بنابر این، اگر این وجوده صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌آید و اگر عرضه این کالاهای باکشش باشد، مزاد تقاضا موجب افزایش قیمت و بلاfacسله باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می‌شود. اما اگر عرضه این نوع کالاهای بی‌کشش باشد، تنها اثر قرض الحسن، افزایش قیمت کالاهای مزبور و تورم خواهد بود؛ البته حکومت اسلامی موظف است با گسترش نهاد قرض الحسن زمینه‌ای را فراهم آورد تا همکام با افزایش تقاضا برای کالاهای مزبور تولید آنها نیز افزایش یابد. در قرض‌های تولیدی نیز چون بدون واسطه، وجوده وام گرفته شده به تأسیس یا گسترش نهاد تولیدی اختصاص می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که اشتغال افزایش یابد. در این مورد هم دولت باید شرایطی را ایجاد کند تا این وجوده باعث نشود که در مؤسسه‌های تولیدی، سرمایه جایگزین کار شود. البته چون قرض الحسن‌های تولیدی به مراکز تولیدی کوچک و نیازهای ضروری آنها اختصاص می‌یابد، انتظار افزایش اشتغال به‌واسطه آن بیجا نیست. در مورد قرض الحسن و تولید و تأمین نیازهای اساسی نیز می‌توان گفت که با توجه به اینکه فرد مسلمان موقعی متقارضی وام می‌شود که نیاز ضروری به آن داشته قرض الحسن موجب می‌شود تا تقاضا برای کالاهای اساسی افزایش یابد و با افزایش تقاضا و سودآورتر شدن تولید این نوع کالاهای انتظار می‌رود، الگوی تولید به سمت کالاهای اساسی جریان یابد که همین امر زمینه را برای توسعه پایدار مناسب با جوامع توسعه نیافته بویژه جوامع اسلامی فراهم می‌کند (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱).

از دیگر شیوه‌های تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا روش سرمایه‌گذاری مستقیم می‌باشد که عبارت است از تأمین تمام یا بخشی از سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی و ساختمانی)، بازرگانی و خدماتی به‌وسیله بانک‌ها. مطابق ماده ۸ قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها اعم از تجاری و تخصصی می‌توانند در طرح‌های تولیدی و عمرانی که جنبه تجمیلی و غیرضروری ندارند، به سرمایه‌گذاری مستقیم مبادرت کنند.

سرمایه‌گذاری مستقیم روی یک طرح می‌تواند به‌وسیله یک بانک یا با مشارکت چند بانک صورت پذیرد. این روش گرچه قرارداد نیست، از جهت آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است؛ یعنی انتظار انفاق هست و نرخ سود آن متغیر خواهد بود و در پایان دوره مالی مشخص می‌شود (موسوبیان، ۱۳۸۴، ص ۵۲). همچنین، این شیوه سرمایه‌گذاری به دو شکل قابل تصور است: شکل اول، سرمایه‌گذاری در اوراق بهادر است که اگر اوراق با بازده معین باشند، با ماهیت بانک

تجاری در جایگاه مؤسسه انتفاعی با سود معین منافات نخواهد داشت. شکل دوم، سرمایه‌گذاری مستقیم در تصدی طرح‌های تولیدی و عمرانی است (موسیان، ۱۳۸۴، ص. ۵۶). برخی سرمایه‌گذاری مستقیم را نوعی مشارکت حقوقی می‌دانند که با مشارکت بانک‌ها انجام می‌شود. بانک‌ها سرمایه‌لازم برای انجام سرمایه‌گذاری مستقیم را از محل آورده‌های سپرده‌گذاران تأمین می‌کنند و خود رأساً و به‌طور مستقل وارد فعالیت‌های تولیدی و عمرانی می‌شوند. اما از لحاظ اقتصادی، با نقش واسطه‌گری و اصل تقسیم کار مغایر است. علاوه‌بر این، درجه نقدینگی دارایی‌های بانک را کاهش می‌دهد ( حاجیان، ۱۳۹۰، ص. ۵۵).

بنابراین، در این شیوه تخصیص منابع بانک بدون واسطه و مستقیماً در طرح‌های سرمایه‌گذاری سودآور که از قبل ارزیابی‌های لازم مبنی بر توجیه‌پذیری اقتصادی آن انجام پذیرفته، حضور می‌یابد و بدین نحو مستقیم و بدون واسطه با بخش حقیقی اقتصاد مرتبط می‌گردد.

در مورد عقود مبادله‌ای و مشارکتی به عنوان زیر مجموعه‌ای از روش تخصیص منابع برای جلوگیری از تکرار مباحث در قسمت بعدی بحث می‌گردد.

جدول (۲): نحوه ارتباط تجهیز و تخصیص منابع با بخش حقیقی اقتصاد

ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد	شیوه‌ها	
به کارگیری مانده حساب در عقود مبادله‌ای، مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم	سپرده قرض الحسنہ جاری	تجهیز منابع
به کارگیری در تولید و ایجاد اشتغال و صرف در مخارج ضروری خرید کالا و خدمات	سپرده قرض الحسنہ پس انداز	
از طریق به کارگیری در عقود مبادله‌ای، مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم	سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار	
تولید کالاهای اساسی و گسترش مراکز تولیدی و خدماتی با مقیاس کوچک و ایجاد اشتغال	قرض الحسنہ	تخصیص منابع
تولید کالاهای و خدمات	عقود مبادله‌ای	
مشارکت در تولید کالاهای و خدمات	عقود مشارکتی	
سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی، عمرانی، بازارگانی و خدماتی	سرمایه‌گذاری مستقیم	

## ۶. چگونگی ارتباط عقود مبادله‌ای و مشارکتی با بخش حقیقی اقتصاد

در این قسمت به بررسی تک تک زیر مجموعه‌های عقود مشارکتی و مبادله‌ای و ارتباط آنها با بخش حقیقی اقتصاد پردازیم.

### ۷. عقود مبادله‌ای و مشارکتی و ارتباط آنها با بخش حقیقی

#### ۱-۱. عقود مبادله‌ای و ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد

عقود مبادله‌ای، عقودی هستند انتفاعی و تمليکی و نرخ سود قرارداد از ابتدا مشخص می‌گردد. در این گونه عقود رابطه بدھکار و بستانکار بین طرفین قرارداد وجود دارد. همچنین، پس از انعقاد عقد قرارداد نیازی به نظارت و کنترل مستمر از سوی متعاقدين وجود ندارد. قراردادهای مرابحه (فروش اقساطی)، اجاره، اجاره به شرط تمليک، سلف، جuale، استصناع و خربید دین در زمرة عقود مبادله‌ای قرار دارند.

در این شیوه برخلاف تأمین مالی ربوی که در آن بانک رابطه‌ای با بازار حقیقی ندارد، بانک وارد چرخه واقعی اقتصاد می‌شود و نیازهای واقعی را تأمین می‌کند. بهطور نمونه در بانک‌های ربوی مشتریان با پرداخت بهره تسهیلات دریافت می‌کنند و در صورت اطمینان از بازگشت اصل و سود، بانک دغدغه‌ای در مورد چگونگی هزینه شدن وجود ندارد. در مقابل هنگامی که یک بانک اسلامی تسهیلات می‌پردازد، نسبت به هزینه شدن این وجود در بخش تعیین شده حساسیت دارد (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۲). بنابراین، تأمین مالی مبادله‌ای هرچند از جهت معین بودن سود و واکنش کم به نوسان بازار مشابه تأمین مالی ربوی است، از جهت شکل‌گیری معامله حقیقی و تبعیت نرخ آن از شرایط بازار کالا از آن متمایز است (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۰). به عبارت دیگر عقود مبادله‌ای فروش کالاهای و خدمات می‌باشد، نه مبادله و دریافت و پرداخت وام و نرخ این عقود در حقیقت قیمت کالا و نه نرخ بهره است و در این عقود تأمین مالی به پژوهه‌ها، کالاهای و خدمات واقعی مرتبط می‌شود. از این‌رو احتمال پراخت بی‌رویه وام و اعتبار به هر دو بخش خصوصی و دولتی محدود خواهد شد که این امر به رشد هماهنگ پول با تولید کمک کرده و فشارهای تورمی را می‌کاهد. ثابت بودن نرخ سود در بسیاری از عقود مبادله‌ای به هیچ وجه باعث ظالمانه شدن این عقد نمی‌گردد، زیرا ظالمانه بودن ربا که در آن نرخ سود ثابتی دریافت می‌گردد، صرفاً به سبب ماهیت قراردادی است که تحقق می‌باشد. به عبارت دیگر در قرارداد ربوی اگر با پایان زمان مقرر فرد موفق به بازپراخت وام نگردد، قرارداد ربوی بدون نیاز به قرارداد جدید، خودبه‌خود وام جدیدی تبدیل می‌شود که اصل و سود آن مشمول سود ربوی می‌شود. اینکه تا چه زمانی پول مزبور در دست فرد باقی می‌ماند و در این مدت چه مقدار بر عهده او افروده خواهد شد، معلوم نیست؛ چرا که ممکن است بارها و بارها اصل پول

فرض گرفته را پرداخت کند، اما هنوز هم چندین برابر آن را مديون باشد. در نتیجه، این عقود می-توانند به عنوان یکی از روش‌های مناسب برای تخصیص منابع در بانکداری اسلامی محسوب گردند، که در عین حال منقطع از بخش حقیقی نیز نمی‌باشد.

#### ۱-۷. قرارداد مرابحه (فروش اقساطی)

مرابحه در لغت از ریشه «ربح»، و به معنای زیادی و رشد در تجارت است (عبدالمنعم حسنین، ۱۹۹۶، ص ۱۹) و قرارداد فروشی است که فروشنده به وسیله آن قیمت تمام شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل، نگهداری و سایر هزینه‌های مرتبط را به اطلاع مشتری می‌رساند، سپس با افزودن مبلغ یا درصدی به عنوان سود، به وی می‌فروشد، بیع مرابحه می‌تواند به صورت نقد یا نسیه منعقد گردد و به طور معمول، نرخ سود نسیه آن بیشتر است.

مرابحه قابلیت‌های بسیار زیادی داشته و در صورت توسعه، می‌تواند به طور کامل جایگزین عقود دیگری مانند مضاربه، جuale و فروش اقساطی گردد (موسیان و بازوکار، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

نکته‌ی حائز اهمیت در قرارداد مرابحه این است که در بیع مرابحه حتماً باید کالا یا خدمتی خریداری و سپس فروخته شود یعنی باید در اقتصاد واقعی پدیده‌ی رخ دهد. همین‌طور، قرارداد مرابحه باید بعد از خرید بایع و تملک او انجام گیرد و قبل از آن هر نوع تعهدی بر خرید هم بوده باشد، هنوز بیع مرابحه واقع نشده و نرخ سود مرابحه نیز می‌تواند به صورت مبلغ یا درصد باشد. همچنین، در ماده ۲ دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه ذکر گردیده است که بانک‌ها می‌توانند به منظور رفع نیازهای واحدهای تولیدی، خدماتی و بازارگانی برای تهیه مواد اولیه، لوازم بدکی، ابزارکار، ماشین آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاهای و خدمات مورد احتیاج این واحدهای و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات، به سفارش و درخواست متقاضی مبادرت به تهیه این اموال و خدمات نموده و سپس آن را در قالب عقد مرابحه به متقاضی واگذار نماید. چنانکه در ماده ۲ دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه به‌وضوح روشن است، این قرارداد در تعاملی آشکار با بخش واقعی اقتصاد، در صدد رفع نیازهای حقیقی واحدهای تولیدی، بازارگانی و خدماتی و خانوارهاست. برای حصول اطمینان از تحقق معامله در بخش حقیقی اقتصاد قانون‌گذار در ماده ۵ دستورالعمل اجرایی مرابحه بانک را موظف کرده تا اطمینان حاصل نماید که عقد قرارداد براساس تبانی متقاضی و فروشنده واقع نگردیده باشد و در ماده ۲۰ نیز بانک‌ها به اعمال نظارت کافی در طول مدت اجرای قرارداد مکلف شده‌اند.

لازم به ذکر است که قرارداد فروش اقساطی پیش از قرارداد مرابحه در سیستم بانکی با موارد کاربرد بسیار محدودتر و فقط برای فراهم آوردن تسهیلاتی جهت امور تولیدی و خدماتی، کالاهایی نظیر مواد اولیه و لوازم یدکی، اموال منقول نظیر وسایل، ماشین آلات و تأسیسات و مسکن را تهییه

و در اختیار متقاضیان قرار می‌داد. فروش اقساطی به لحاظ کاربرد موضوعی فقط برای کالاهای محدود و معینی قابل استفاده است در حالی که مرابحه منحصر به کالای خاصی نیست و می‌توان از آن برای تمامی کالاهای مصرفی و بادوام مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و بازرگانی استفاده نمود. مرابحه علاوه بر پوشش گسترده کالاها برای خرید خدمات مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و حتی بازرگانی نیز قابل استفاده است، در حالی که در فروش اقساطی چنین امکانی وجود نداشت. از لحاظ شیوه پرداخت، فروش اقساطی عموماً شیوه پرداخت اقساطی تدریجی را مورد توجه قرار داده است در حالی که مرابحه سایر شیوه‌های پرداخت در عقد بیع اعم از بیع نقدی، بیع نسیبه دفعی و بیع نسیبه اقساطی را در بر می‌گیرد. در نتیجه، با ورود قرارداد مرابحه که عملاً در برگیرنده کلیه مفاد فروش اقساطی نیز می‌باشد می‌توان گفت قرارداد اخیر دیگر کاربردی نخواهد داشت.

#### ۷-۱-۲. قرارداد اجاره به شرط تملیک

قرارداد اجاره به شرط تملیک قراردادی موضع و تملیکی است برای تهیه و واگذاری اموال منقول و غیر منقول توسط فروشنده به خریدار، مشروط بر اینکه چنانچه مبلغ قرارداد در اقساط معین شده مسترد گردد، خریدار مالک اموال مزبور خواهد شد. این عقد از یک سو با اجاره هماهنگی دارد و از سوی دیگر با عقد بیع، زیرا تملیک منافع در ابتدای آن ظهر پیدا می‌کند و در پایان منجر به تملیک عین می‌گردد. بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدمات، کشاورزی، صنعتی و معدنی، به عنوان موخر مبادرت به معاملات اجاره به شرط تملیک بنمایند.<sup>۱</sup> همچنین بانکها مکلفند در قرارداد اجاره به شرط تملیک شرط نمایند که در پایان مدت اجاره و پس از پرداخت آخرین قسط مال الاجاره، در صورتی که کلیه تعهدات مستأجر طبق قرارداد انجام شده باشد، عین مستأجره در مالکیت مستأجر درآید.<sup>۲</sup> در عقد اجاره به شرط تملیک مقصود تملک نهایی عین مستأجره می‌باشد، لکن مستأجر توانایی پرداخت کل ثمن را در زمان انعقاد قرارداد ندارد، بدین جهت این قرارداد با فراهم آوردن تسهیلاتی این امکان را در اختیار مستأجر قرار می‌دهد تا ثمن را به صورت تدریجی پردازد و در پایان قرارداد مالک عین مستأجره گردد و از طرفی مؤجر هم در مقابل پرداخت دین از ناحیه مستأجر تضمین و وثیقه مطمئنی داشته باشد.

بانک اسلامی اردن از این قرارداد در مورد کشتی‌ها، هواپیماها، مستغلات و ...، ماشین‌آلات و به طور کلی تمام چیزهایی که می‌توان آنها را پس از خرید برای مدت معینی اجاره داد و مشتری در انتهای مدت اجاره، براساس قواعد و عقود شرعی مالک آن شود، استفاده می‌کند (البنک الاسلامی

۱. براساس ماده ۲ دستورالعمل اجرایی اجاره به شرط تملیک

۲. همان، ماده ۱۲

الاردنی، ص ۴). بنابراین، عقد اجاره به شرط تملیک در رابطه با اجاره کالاهایی است که در بخش حقیقی اقتصاد تولید شده و پرداخت اجاره بها در زمانبندی خاصی صورت پذیرفته و پس از پرداخت آخرین قسط کالای موضوع اجاره به تملک مستأجر در می‌آید. بنابراین تا زمانی که کالا در بخش حقیقی اقتصاد تولید نشده باشد، اجاره به شرط تملیک معنایی ندارد.

#### ۷-۱-۳. قرارداد سلف

در نظام بانکی ج. ا. ایران، بانک‌ها می‌توانند بهمنظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، اعم از اینکه مالکیت این واحدها متعلق به شخص حقیقی و حقوقی باشد، منحصرًا بنایه درخواست این‌گونه واحدها مبادرت به پیش خرید محصولات تولیدی آنها بنمایند.<sup>۱</sup> تولیدکننده‌ای که در جریان تولید کالا یا فرآورده دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شود، از طریق پیش‌فروش قسمتی از تولید خود نیاز مالی بنگاه را تأمین می‌کند. ثمن در معامله سلف نقد است و کل آن باید در مجلس عقد تحويل بایع شود، اگر مقداری از آن در ذمه باقی باشد فقط در صورتی صحیح است که دین حال باشد و دین مدتدار در ذمه بایع نمی‌تواند ثمن سلف باشد.

در معاملات سلف، خریدار، کل قیمت کالا را هنگام معامله به فروشنده می‌پردازد و کالا را در موعد معین تحويل می‌گیرد. معامله سلف، حجم بسیاری از معاملات بورس را می‌پوشاند. با این معامله، تولیدکننده می‌تواند مشکل نقدینگی خود را رفع سازد و از طرفی مطمئن باشد که کالای او با چه قیمتی فروخته خواهد شد، خریدار هم به تحويل کالا با قیمت معین اطمینان می‌یابد (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). از طرفی بازار سلف محصولات نیز، نهادی برای گسترش مبادلات کالاست. این شیوه می‌تواند بهطور بالقوه به بهبود کیفیت و کارآمدی تولید و مبادله کمک کند و این کار را با توزیع مجدد خطرات سرمایه‌گذاری از افرادی که توانایی مالی کمتری دارند به افراد با استطاعت مالی بهتر انجام دهد (فهیم خان، ۱۳۹۷).

براساس آیین‌نامه اجرایی سلف، بایستی عقد سلف با تولیدکننده اصلی کالا صورت گیرد و ریسک اعتباری بانک در رابطه با عدم تحويل کالا کاهش پیدا می‌کند، زیرا اگر قرارداد با خریداران بواسطه منعقد گردد ممکن است با احتمال بیشتری نتوانند کالا را در موعد مقرر تحويل دهند.

در قرارداد سلف که بین بانک و متقاضی تسهیلات منعقد می‌شود، پول در زمان انعقاد قرارداد به متقاضی پرداخت می‌گردد و از طرفی به او وکالت داده می‌شود تا در زمان سرسید کالا را در بازار فروخته و مبلغ مورد توافق را به بانک پرداخت نماید. حال با توجه به اینکه تسهیلات گیرنده و کیل بانک در فروش می‌باشد، اگر در موعد تحويل کالا، قیمت کالا در بازار افزایش یابد، می‌تواند کالا را به خودش بفروشد و مبلغ پیشنهادی بانک را پردازد و مابقی سود به خودش تعلق دارد. اگر

۱. آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ریا، ماده ۴۱.

قیمت در بازار کاهش یافته باشد، می‌تواند کالا را به بانک تحویل دهد تا خود بانک تعیین تکلیف نماید، تا اگر خواست کالا را بفروشد و یا اینکه تا زمان افزایش قیمت، کالا را نگاه دارد. به عبارتی، اگر بانک مسئولیت تحویل کالا را بر عهده بگیرد و خود اقدام به فروش کالا کند، می‌تواند از مزایای افزایش قیمت سود ببرد. بنابراین، در معامله سلف در عین حال که به طور مستقیم معامله بر پایه خرید و فروش کالا در بخش حقیقی اقتصاد صورت می‌گیرد، سود نیز متغیر بوده و براساس شرایط حاکم بر بازار می‌تواند افزایش یا کاهش یابد.

عقد سلف از طریق شکل‌دهی بازار سلف برای توسعه‌ی مبادلات کالاها و اطمینان از اینکه محصولات تولید شده متقاضی خواهد داشت، به تولید در بخش حقیقی اقتصاد، که خود منجر به ایجاد اشتغال می‌شود، اقدام می‌کند.

#### ۴-۱-۴. قرارداد جuale

جuale در لغت به معنای اجرت، حق العمل و مزد می‌باشد (عمید، ۱۳۷۶: ۴۶۳) و قراردادی است جایز که به موجب آن، جاعل (کارفرما) در مقابل انجام عمل معین ملزم به پرداخت جعل (اجرت) معلوم می‌گردد. طرفی که عمل یا کار را انجام می‌دهد عامل یا (پیمانکار) نامیده می‌شود. در جuale‌های بانکی، متقاضی تسهیلات با بانک جuale‌های منعقد می‌کند مبنی بر اینکه بانک کار خاصی را برای او انجام دهد و جعل را به صورت نسیه‌ی اقساطی از او دریافت کند، سپس بانک در قرارداد جuale دیگری که به صورت نقد است، انجام کار را به عامل دیگری می‌سپارد. از نظر فقهی چون دو قرارداد مستقل از هم بوده و طرفین معامله متفاوت هستند، زیادی جعل قرارداد اول نسبت به قرارداد دوم اشکالی نخواهد داشت.

بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به عنوان «عامل» یا عنداًاقضا به عنوان «جاعل» مبادرت به جuale نمایند.<sup>۱</sup> در صورتی که اعطای تسهیلات از طریق جuale برای اجرای طرح‌های تولیدی و یا خدماتی صورت گیرد، بانک‌ها مکلفند طرح مورد قرارداد را از لحاظ فنی، مالی و اقتصادی (در حد نیاز بانک) بررسی و ارزیابی نمایند.<sup>۲</sup>

بانک اسلامی می‌تواند از راه قرارداد جuale تسهیلات متعددی به این شرح ارائه کند: الف) بانک اسلامی می‌تواند خدمات مورد نیاز خانوارها مانند، خدمات درمانی، آموزشی، بیمه، حمل و نقل، تعمیر، نگهداری و ساخت مسکن و ... را به صورت جuale نقد از مراکز خدماتی دریافت کرده با احتساب سود بانکی به صورت جuale نسیه دفعی یا اقساطی به خانوارها واگذارد؛ ب) بانک اسلامی

۱. ماده ۲ دستورالعمل اجرایی جuale

۲. تبصره ماده ۳، همان

می‌تواند خدمات مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی مانند، خدمات بیمه، حمل و نقل، تعمیر، نگهداری و ساخت محل کار، انبارداری، نظافت، نگهبانی را به صورت جuale نقد از مراکز خدماتی دریافت کرده با احتساب سود بانکی به صورت جuale نسیه دفعی یا اقساطی به بنگاهها واگذارد. مابه التفاوت قیمت جuale نقد با جuale نسیه سود بانک خواهد بود که افزون بر عوامل ریسک به طول مدت جuale اقساطی نیز بستگی خواهد داشت (موسیان، ۱۳۸۸، ص ۸۲). بنابراین، عقد جuale در به-کارگیری تسهیلات بانک، برای بانک‌ها امکان گسترش و توسعه در امور مربوط به تولیدات صنعتی و کشاورزی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به عنوان عامل یا در صورت نیاز به عنوان جاعل را فراهم می‌نماید (موسیان، ۱۳۸۹، ص ۹۱).

مطابق آموزه‌های فقه اسلام و حقوق مدنی ایران، قرارداد جuale قلمرو خیلی گستردۀ و قابلیت اجرای انعطاف‌پذیری دارد<sup>۱</sup>؛ اما آیین‌نامه اجرایی قانون بانکداری بدون ریا، آن را چنان محدود کرده که امروزه در موارد کمی چون تعمیر مسکن کاربرد دارد (موسیان، ۱۳۸۴، ص ۶۳). به لحاظ اجرایی جuale بر دو نوع است؛ در صورت اول، بانک باید در مقابل مبلغی معین که به صورت اقساطی پرداخت می‌شود، انجام عملی را متعهد شود (جuale اول)، سپس آنرا با جuale دیگری به عامل یا پیمانکار واگذار نماید. در صورت دوم، بانک مشتری را وکیل انعقاد قرارداد برای جuale دوم می‌کند و مشتری در جایگاه وکیل بانک، جعل لازم را برای انعقاد جuale دوم از بانک می‌گیرد.

از موارد مذکور چنین بر می‌آید که قرارداد جuale امکان مداخله بانک‌ها در امور تولیدی مربوط به صنعت و خدمات و کشاورزی و بازرگانی را فراهم می‌آورد و بدین لحاظ ار نظر فقه اسلامی ظرفیت ورود به عرصه‌های مختلف بخش حقیقی اقتصاد را دارد و آنچه در عمل گستره‌ی کاربرد آن را محدود به موارد جزئی نموده اشکالات اجرایی است که باید در آن تجدیدنظر گردد.

#### ۷-۱-۵. قرارداد استصناع

پس از آنکه مجمع فقهی سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۴۱۲ قمری در جده اعلام نمود که عقد استصناع، عقدی لازم است، به دلیل ماهیت و ویژگی‌های آن، در کشورهای اسلامی گسترش یافت و در پایان سال ۱۳۸۹ با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، قرارداد استصناع به قوانین ایران اضافه گردید.

استصناع در لغت از ماده صنع به معنای سفارش ساخت است و در اصطلاح، قراردادی است بین دو شخص حقیقی یا حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا احداث طرح ویژه است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان‌های توافق شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت شود. با توجه به این تعریف، دامنه عقد استصناع بسیار گستردۀ خواهد بود و شامل سفارش ساخت کالاهای

۱. جuale از نگاه فقهی قابلیت به کارگیری در امور خدماتی نظیر خدمات بهداشتی، آمورشی و جهانگردی را دارد.

بی شمار نظیر فرش، خانه، خودرو، کشتی، هواپیما و طرح‌ها و سفارش احداث شرکت‌های کوچک و بزرگ و حتی احداث شهرک‌ها و مجموعه‌های بزرگ صنعتی و طراحی یک پروژه یا اصلاح ساختار یک تشکیلات و ... می‌شود. عقد استصناع عقد مستحدث و جدیدی نیست (مانند عقد بیمه)؛ بلکه از گذشته‌های دور این عقد مطرح بوده و فقهیان بزرگوار بعضی از احکام فقهی آن را نیز مطرح کرده‌اند (نظرپور، ۱۳۸۴، ص ۸۴). فقط تفاوت زمان حاضر و زمان‌های گذشته در کمیت، کیفیت و گستردگی قرارداد استصناع در زمان حاضر است به گونه‌ای که این قرارداد را می‌توان در زمره قراردادهای بسیار با اهمیت در عرصه اقتصادی امروز قرار داد و بسیاری از پروژه‌ها و طرح‌های کلان کشورها مانند خط‌های انتقال نفت و گاز، کارخانه‌های عظیم پتروشیمی، ذوب آهن، سد سازی و ... را در چارچوب این قرارداد احداث کرد. تاکنون با عنوان قرارداد استصناع در سطح بین‌المللی احداث برج‌های اداری و مسکونی و تجاری، جاده و آزادراه، توسعه سامانه‌های برق، توسعه و تجهیز سامانه تصفیه آب، احداث پل‌ها و توسعه بندرها و ... صورت عملی به خود گرفته است (کمیجانی و نظرپور، ۱۳۸۷، ص ۷۰). در عرصه بین‌المللی این قرارداد به قرارداد ساخت<sup>۱</sup> شهرت دارد، گرچه بسیاری از قراردادهای بین‌المللی که در چارچوب <sup>۲</sup>B.O.T اجرا می‌شوند قابل انطباق بر قرارداد استصناع است (نظرپور، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

از آنجا که کالاهای منظور در قرارداد استصناع در زمان انعقاد قرارداد معدهم می‌باشد و مقصود از قرارداد تولید آن است و همچنین این قرارداد در مورد کالاهایی است که ساخته می‌شوند و نه حتی کالاهای طبیعی (نظیر میوه و سبزی) به‌طور حتم این قرارداد در تعامل مستقیم با متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد. در همین راستا در دستورالعمل اجرایی عقد استصناع آمده است که بانک‌ها می‌توانند به‌منظور گسترش بخش‌های تولیدی از قبیل صنعت و معدن، مسکن و کشاورزی، تسهیلات لازم را به مشتریان در قالب عقد استصناع اول اعطای نموده و سپس براساس عقد استصناع دوم قرارداد ساخت را به سازنده واگذار نمایند.<sup>۳</sup> عقد استصناع به خوبی می‌تواند جایگزین قرارداد مشارکت مدنی برای ساخت و سازها و تکمیل طرح‌های تولیدی شده و از آنجا که قراردادی مبادله‌ای با ساختار بانک‌های تجاری و حتی تخصصی بسیار سازگارتر است؛ ارتباط قرارداد استصناع با بخش حقیقی اقتصاد کاملاً آشکار می‌شود.

1. Construction Contract  
2. Build- Operate- Transfer

۳. ماده ۲ دستورالعمل اجرایی عقد استصناع.

## ۶-۱-۷. قرارداد خرید دین

خرید دین تسهیلاتی است که بهموجب آن، بانک، سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسیه باشد خریداری می‌کند. مبنای فقهی خرید دین در بانکداری بدون ربا، بیع دین است. در این روش بانک ها برای تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز متضایان، اسناد مالی (طلب) مدتدار آنان را طبق مواد مطرح شده در دستورالعمل اجرایی خرید دین بانکها می‌توانند بهمنظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تمامی بخش‌های اقتصادی، دیون موضوع اسناد و اوراق تجاری مدتدار متضایان را خریداری نمایند<sup>۱</sup> و اسناد و اوراق تجاری به آن دسته از اسناد و اوراق بهادر اطلاق می‌گردد که مفاد آن حاکی از طلب حقیقی متضایی باشد.<sup>۲</sup> همچنین، بانکها موظفاند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن نقدشوندگی آن در سرسیید، اطمینان حاصل نمایند.<sup>۳</sup> چنانکه دین صوری باشد و ناشی از معاملات واقعی نباشد، مشمول حکم ربا می‌گردد.

با مصوبه جدید شورای پول و اعتبار در جهت تصویب عقد خرید دین در سال ۱۳۹۰، گام کوچکی در جهت‌گیری درست برداشته شد، چرا که سیر افزایشی بودن هزینه‌های تامین مالی در اقتصاد ایران که قیمت تمام شده تولید داخلی را بالا می‌برد، قابل دفاع و ادامه نبوده است. براساس مصوبه شورای پول و اعتبار، عقد خرید دین جزء عقود قابل قبول بانکی خواهد بود، در واقع عقد خرید دین راهکاری است که بانک‌های تجاری و تخصصی بتوانند مواد اولیه، ماشین‌آلات و محصولات تولیدکنندگان را به عنوان وثیقه پذیرند و اسناد آنها را از تولیدکنندگان به عنوان وثیقه در تأمین وجوده، گردش سرمایه و یا واردات قبول کنند. در مقابل بانک مرکزی نیز این اسناد را از بانک‌ها می‌پذیرد و با حمایت خود، بانک‌های تجاری و تخصصی به کمک تولید کشور می‌شتابند، آثار تورمی آن نیز حداقلی خواهد بود (نهادندیان، ۱۳۹۰).

اگرچه تنزیل مجدد این اوراق از سوی بانک‌های تجاری و تخصصی و یا از سوی بانک مرکزی در بازار پولی صورت می‌پذیرد و این معامله نیز مورد پذیرش است اما از آنجا که قبلاً از تنزیل این اسناد، ضرورتاً باید در بخش حقیقی اقتصاد بدھکاری و دینی صورت پذیرد و آن اسناد در آن مرحله تکوین یابد، تنزیل اسناد تجاری هم در صورتی مجاز است که در بخش حقیقی اقتصاد اتفاقی صورت پذیرد. در صورتی که اتفاقی در بخش حقیقی اقتصاد نیفتد و اسناد به صورت غیر واقعی و صوری شکل یابد، تنزیل این اسناد در واقع دریافت قرض به مبلغ تنزیل شده و اعطای آن به مبلغ

۱. ماده ۲ دستورالعمل اجرایی خرید دین.

۲. همان، ماده ۳.

۳. همان ماده ۴.

بیشتر در زمان آینده است که تضمین پرداخت آن در قالب دریافت اسناد تجاری به مبلغ اسمی آن خواهد بود و این چیزی جز تحقق معامله ربوی و غیر مجاز نیست.

#### ۷-۲. عقود مشارکتی و ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد

عقود مشارکتی شامل تسهیلات مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات می‌باشد. فعالیت این گروه بر مبنای مشارکت و به قصد انتفاع صورت می‌پذیرد و بازده حاصل از این نوع فعالیت طبق توافق طرفین و براساس نسبت‌های مورد توافق تقسیم می‌شود (نظرپور و کشاورزیان، ۱۳۹۲).

جدول (۳): چگونگی ارتباط عقود مبادله‌ای با بخش حقیقی اقتصاد

عنوان عقد مبادله‌ای	شیوه ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد
مرابحه و فروش اقساطی	این دو قرداد از طریق تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزارکار، ماشین آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاهای و خدمات مورد احتیاج واحدهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای باددام و مصرفی و خدمات در ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد قرار می‌گیرند. (قرارداد مرابحه جامع بوده و فروش اقساطی را نیز دربر می‌گیرد).
اجاره به شرط تملیک	این قرارداد در مورد تملیک منافع به شرط تملیک عین در رابطه با کالاهایی مانند خانه و زمین و یا هر نوع کالای دیگر در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات می‌باشد که در بخش حقیقی اقتصاد تولید شده و اجاره آن به صورت اقساطی پرداخت می‌گردد.
سلف	قرارداد سلف از طریق ایجاد اطمینان خاطر برای تولیدکننده نسبت به فروش کالایی که در آینده برای عرضه آماده می‌شود، سبب گسترش تولید کالاهای می‌گردد و از سوی دیگر می‌تواند نقدینگی لازم را در جریان تولید در اختیار تولیدکننده قرار دهد.
جهاله	از طریق ارائه خدمات مورد نیاز خانوارها و بنگاههای اقتصادی در تعامل با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد.
استصناع	از طریق تولید کالایی خاص یا احداث طرحی ویژه در آینده سبب گسترش بخش‌های تولیدی از قبیل صنعت، معدن و کشاورزی می‌شود.
خرید دین	بایستی در آغاز شکل‌گیری ارتباط آن با بخش حقیقی ملحوظ گردد، بدین معنا، که دین بایستی ناشی از معاملات واقعی باشد در غیر این صورت مشمول حکم ربا می‌گردد.

در فضای رقابتی کسب و کار، بسیاری از بنگاه‌های خرد اقتصادی برای تکمیل یا تأمین مالی پژوهش‌های اقتصادی خود نیازمند دریافت تسهیلات مشارکتی و تسهیم ریسک و بازده هستند. به باور بعضی از محققان پولی و مالی، نظام مشارکت در سود و زیان<sup>۱</sup> باعث رونق و رشد بخش واقعی اقتصاد می‌شود (چپرا ۱۹۸۵ م، ص ۱۷۱ و صدیقی ۱۹۸۳ م، ص ۱). روش اجرای صحیح قراردادهای مشارکتی بر مبنای تسویه سود و زیان تحقیقه افته در انتهای طرح یا سرسید است؛ یعنی عامل با دریافت تسهیلات و به کارگیری آن در پژوهش‌های سودآور، پس از پایان دوره به سود یا احتمالاً ضرر معینی خواهد رسید و براساس همین نزخ محقق شده و به نسبت سهم الشرکه، عامل و بانک منتفع یا متضرر می‌شوند (همان، ص ۱۳۶).

اجرای واقعی و دقیق عقد مشارکت به خودی خود می‌تواند امتیازها و نتیجه‌های مطلوبی را برای اقتصاد کشور به همراه آورد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تطابق با عدل و قسط، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش تولید و عرضه کل، افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال و حل مشکل‌های ناشی از تمدید قراردادهای بانکی اشاره کرد (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۲).

بنابراین، نظام مشارکت با مشارکت در ریسک سرمایه‌گذاری سبب تشویق افراد برای ورود به عرصه‌های تولیدی می‌گردد که رسیدن به سوددهی در آن عموماً زمان بر بوده و در ابتدا ممکن است سود چشمگیری عاید نگردد ولی با گذشت زمان در صورت موفقیت، زمینه‌ی اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی پایدار را برای جامعه فراهم خواهد آورد.

#### ۷-۲-۱. قرارداد مضاربه

مضاربه عقدی است بین بانک و تاجر، برای اقدام به خرید و فروش کالا، در این نوع قرارداد، بانک به عنوان مضارب، تأمین‌کننده‌ی سرمایه و طرف دیگر قرارداد به عنوان عامل، عهده‌دار انجام امور مربوط به تجارت می‌باشد. نوع کاری که عامل با سرمایه بایستی انجام دهد تجارت است و اگر عامل از راه‌های دیگری مثل تولید یا زراعت و غیره، از سرمایه سود به دست آورد مطابق نظر مشهور فقیهان امامیه عنوان مضاربه صدق نمی‌کند. همچنین، سهم هر کدام از عامل و مالک از سود حاصله (نه در صدی از سرمایه) باید در ابتدای عقد مشخص شود. این مقدار برای هر کدام باید به صورت کسری از کل سود باشد و نمی‌تواند مقدار قطعی را برای یکی از طرفین در نظر گرفت.

بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی به عنوان مالک، سرمایه نقدی (منابع) لازم (به صورت تسهیلات مضاربه) را در اختیار عامل اعم از شخص حقیقی یا حقوقی قرار دهند. همین‌طور، بانک‌ها در امور واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

1. PLS

2. ماده ۳ همان

بنابراین، پیداست که قانون‌گذار اعطای تسهیلات مضاربه را برای توسعه‌ی تولید داخلی ترغیب نموده است و نه کمک به واردات کالاهای خارجی.

در قرارداد مضاربه نسبت سود براساس نرخ بازدهی در بخش حقیقی اقتصاد و با توافق طرفین تعیین می‌شود و بانک در ازای پرداخت وجوده به عامل در سهمی از سود با او شریک می‌شود.

همچنین از لحاظ سیر تاریخی قرارداد در کشورهای غربی، لوپز<sup>۱</sup> (۱۹۷۶) اشاره می‌نماید، بنابر توافق تاریخ‌دانان، قرارداد مضاربه در اروپای غربی به عنوان «کامِندا» شناخته می‌گردید و مهمترین ابزار سیاست‌گذاری مسبب رشد اقتصادی در اروپا بود (اقبال و میرآخور، ۲۰۱۱، ص ۱۱۵).

بنابراین، در مضاربه اساس نرخ سود براساس نرخ بازدهی مضاربه در بخش حقیقی اقتصاد تعیین می‌گردد. همچنین در این قرارداد کاری که عامل با سرمایه بایستی انجام دهد، تجارت است. بنابراین، این قرارداد مشارکتی نیز توسط شرع مقدس به‌گونه‌ای تنظیم گردیده که پیوند سرمایه‌های پولی و بخش حقیقی اقتصاد به‌نحو مستحکمی برقرار باشد.

## ۷-۲-۲. قرارداد مشارکت مدنی

مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، به نحو مشاع، برای انجام کاری معین در زمینه‌ی تولیدی، بازرگانی و خدماتی به‌مدت محدود، به‌منظور انتفاع، طبق قرارداد.<sup>۲</sup>

در این روش، براساس عقد شرکت، بانک‌ها بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه اقتصادی را تأمین کرده، در مالکیت بنگاه و به‌دبیال آن در سود بنگاه شریک می‌شوند (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۵۰). مشارکت مدنی بانکداری همان قرارداد شرکت است که در متنون فقهی از آن به شرکت‌العنان یا شرکت اموال تعبیر می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) در تعریف آن می‌فرمایند: شرکت قراردادی است که بین دو نفر یا بیشتر منعقد می‌شود تا با مالی که بین آنان مشترک است، معامله (فعالیت اقتصادی) کنند.

مشارکت مدنی قابلیت ورود به تمام عرصه‌های اقتصادی را دارد و از جامعیت لازم نیز برخوردار است (موسویان و علی، ۱۳۹۱ ص ۱۳۸) و تفاوت آن با مشارکت حقوقی در این است که مشارکت مدنی به بانک‌ها اجازه می‌دهد که خارج از محدوده بورس، از طریق مشارکت با اموال نقدی یا غیرنقدی مبادرت به تأمین مالی کنند ( حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۵۲). همچنین، در قرارداد شرکت

1. Lopez, 1976

2. Commenda

۳. ماده ۱ و ۲ دستورالعمل اجرائی مشارکت مدنی

می‌توان شرایطی را در ضمن قرارداد مطرح کرد. بنابراین، بانک می‌تواند با آوردن شرطی، حق نظارت بر کیفیت جذب سرمایه و برگشت آن در طول قرارداد را برای بانک محفوظ بدارد. با توجه به مطالب فوق می‌توان اذعان داشت که عقد مشارکت مدنی با ورود به فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی دخیل در عرصه حقیقی اقتصاد شده و با تجمیع سرمایه بانک و اشخاص حقیقی و حقوقی منابع لازم جهت ایجاد و توسعه فعالیت‌ها در بخش واقعی اقتصاد را فراهم می‌آورد.

#### ۷-۲-۳. قرارداد مشارکت حقوقی

مشارکت حقوقی در چارچوب تعریف کلی شراکت در قانون عملیات بانکی بدون ربا، عبارت است از: «تأمین قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود». طبق این آئین‌نامه، مؤسسه اعتبرای می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش بخش‌های مختلف تولیدی، بازرگانی و خدماتی، قسمتی از سرمایه موردنیاز شرکت‌های سهامی را که برای امور مذکور تشکیل شده یا می‌شوند، تأمین کند. مؤسسه اعتبرای موظف است قبل از مشارکت، وضعیت شرکت‌های سهامی را که سهام آنها موضوع خرید است و یا طرح ارائه شده برای مشارکت را از لحاظ اقتصادی، فنی و مالی (در حد نیاز بانک) بررسی و ارزیابی نمایند.

مشارکت هر بانک از محل منابع بانک و سپرده‌های سرمایه‌گذاری در صورتی مجاز است که نتیجه بررسی و ارزیابی، حاکی از پیش‌بینی سود برای مشارکت باشد. عقد مشارکت حقوقی، بهترین عقد مشارکتی است که موجب تحقق مشارکت واقعی در بانک‌ها می‌شود (نظرپور و کشاورزیان، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

مشارکت حقوقی در ارتباط با شرکت‌های سهامی عام است که تفاوت اصلی آنها با شرکت‌های خاص (مشارکت مدنی) در شخصیت حقوقی شرکت‌های سهامی عام، مسئولیت محدود سهام داران و ضوابط و مقرراتی است که در اداره شرکت‌های سهامی در نظر گرفته می‌شود. در این نوع مشارکت، اگرچه خرید سرمایه شرکت‌های سهامی موجود به نحوی سازماندهی جریان درآمدی محسوب می‌گردد، ولیکن تأمین سرمایه شرکت‌های سهامی جدید می‌تواند مستقیماً در تغییر جریان تولید در بخش حقیقی اقتصاد تأثیرگذار باشد.

#### ۷-۲-۴. قرارداد مزارعه

در اصطلاح فقهیان، مزارعه عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین، زمینی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد که آن را زراعت کرده و محصول را با هم تقسیم کنند. مزارعه جزو عقدهای غیرتملیکی و در عین حال از عقدهای لازم است و محصولی که از زراعت حاصل می‌شود به مزارع و عامل متعلق است و باید در ابتدای عقد، سهم هر کدام به صورت مشاع (کسری از محصول) معین شود. بنابراین

اگر مشخص نشود یا مقرر شود که تمام محصول به یکی از طرفین عقد تعلق یابد، مزارعه باطل است (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

بانک‌ها در قرارداد مزارعه همیشه نقش مزارع (صاحب زمین) را خواهند داشت؛ لذا زمانی می‌توانند اقدام به مزارعه کنند که بخواهند زمین یا سایر عوامل تولید یا تلفیقی از آن دو را در اختیار زارع قرار دهند. هرچند قرارداد مزارعه با تقسیم محصول و تحویل سهم بانک خاتمه می‌یابد، اما عمولاً بانک، تسهیلات‌گیرنده را وکیل در فروش سهم بانک از محصول (به خودش یا شخص ثالث) می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۲). این عقد به طور مستقیم و بلاواسطه در ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد و موجبات افزایش تولید را فراهم می‌سازد.

#### ۷-۲-۵. قرارداد مساقات

مساقات در اصطلاح عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین (مالک) باغی را در اختیار دیگری (باغبان) قرار می‌دهد تا وی روی آن باغ فعالیت باگداری کند و محصول را با هم تقسیم کنند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۸۴). عقد مساقات جزو عقدهای لازم است سهم هر یک از طرفین عقد، باید موقع انعقاد قرارداد مساقات به صورت کسری از محصول (مشاع) معین شود و مقدار آن تابع توافق طرفین است. بنابراین مجھول بودن سهم طرفین، تعیین سهم‌ها به صورت غیرمشاع یا اختصاص همه محصول به یکی از طرفین، همگی باعث بطلان عقد مساقات می‌شود.

در این قرارداد، بانک همیشه نقش صاحب باغ را خواهد داشت. بنابراین، هر یک از بانک‌ها که در حوزه فعالیت خود به نحوی دارای درختان مثمر باشند، به طوری که به صورت دائم یا موقت مالک عین یا منفعت آنها بوده یا به هر عنوان مجاز به تصرف در آنها باشند، چنانچه شخص یا اشخاص (حقیقی یا حقوقی) حاضر باشند به عنوان عامل با بانک قرارداد مساقات منعقد نمایند، اقدام به این کار خواهند نمود تا بدین وسیله عامل اقدام به نگهداری و پرورش درختان و سایر امور باغبانی ملک نماید و در نهایت طبق قرارداد محصول را بین خود تقسیم نمایند. عمولاً بانک تسهیلات‌گیرنده را وکیل در فروش سهم بانک از محصول (به خودش یا شخص ثالث) می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۲). عقد مساقات نیز همانند مزارعه در تعامل مستقیم با تولید قرار دارد.

اگرچه نظام بانکی در ایران از این دو عقد اخیر تاکنون استفاده‌ای نکرده است ولی به نظر می‌رسد نگاه محدود قانون‌گذار در آین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، علت اصلی این موضوع باشد. بانک‌ها می‌توانند مشابه قراردادهای جuale و استصناع موایی از این دو عقد استفاده نمایند و یا نظیر اجاره به شرط تملیک از مزارعه و یا مساقات به شرط تملیک حسب مورد استفاده نموده تا انگیزه ورود در این عقود برای افراد در بخش کشاورزی ایجاد شود.

جدول (۴): چگونگی ارتباط عقود مشارکتی با بخش حقیقی اقتصاد

عنوان عقد مشارکتی	شیوه ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد
مضاربه	مشارکت در فعالیت تجاری
مشارکت مدنی	مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی و خدماتی
مشارکت حقوقی	مشارکت در بخش‌های تولیدی و بازرگانی و خدماتی از طریق تأمین سرمایه یا خرید سرمایه شرکت‌های سهامی
مزارعه	مشارکت در زراعت محصولات کشاورزی
مسافت	مشارکت در فعالیت‌های بغدادی

#### ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش‌های مختلف این مقاله با تکیه بر دیدگاهی تحلیلی سعی شده است پیوند ساختار بانکداری بدون ریای ایران به عنوان مصادقی از بانکداری اسلامی که متشكل از عقود شرعی (فرض‌الحسن، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم) می‌باشد با بخش حقیقی اقتصاد به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

۱. تحریم ربا در اسلام نقشی اساسی در شکل‌دهی تفکر اقتصاد تولید محور ایفا نموده است زیرا افراد تنها زمانی می‌توانند از پس‌اندازهای خود انتظار سود حلال داشته باشند که آن را در فعالیتی اقتصادی مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد وارد نموده باشند. بنابراین بول به تهایی و بدون ورود به یک فعالیت مستقیم و یا غیر مستقیم اقتصادی نمی‌تواند پول‌زایی و سودآوری داشته باشد.
۲. در نظام بانکداری با رویکرد اسلامی، در بخش تجهیز منابع برای سپرده‌های قرض‌الحسن جاری و پس‌انداز از قرارداد قرض بدون بهره و برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از عقد وکالت استفاده نموده که بر اساس آن بانک وکیل است وجوه حاصل از حساب‌های سرمایه‌گذاری را در قراردادهای سودآور مبادله‌ای و مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده نموده و در تولید یا انجام خدماتی در بخش حقیقی اقتصاد سهیم می‌گردد؛ سپس سود حاصل را پس از کسر حق‌الوکاله به نسبت میزان سرمایه و مدت سرمایه‌گذاری بین سپرده‌گذاران تقسیم نماید.
۳. همچنین، در بانکداری اسلامی در اعطای تسهیلات نیز از ربا اجتناب گردیده و تخصیص منابع بانک، براساس عقود اسلامی مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت می‌گیرد و تسهیلات

اعطایی به طور عمده بر پایه این عقود می‌باشد؛ قرض الحسنة، عقود مبادله‌ای، مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم.

۴. قرض الحسنة عموماً به شرکت‌های تولیدی و خدماتی کوچک مقیاس، امور کشاورزی و دامپروری و مرتفع نمودن نیازهای ضروری افراد تخصیص می‌باید و بدین نحو در تعامل با بخش حقیقی اقتصاد قرار می‌گیرد.

۵. در سرمایه‌گذاری مستقیم، بانک‌ها به تخصیص منابع به طور کلی یا جزئی در طرح‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی اقدام می‌نمایند و البته پیش از آن ارزیابی اقتصادی طرح باید مؤید سود دهی آن باشد تا ورود بانک به عرصه حقیقی اقتصاد با اطمینان صورت پذیرد.

۶. عقود مبادله‌ای شامل مرابحه و فروش اقساطی، اجاره به شرط تمليک، سلف، جuale، استصناع و خرید دین هستند که عقودی تمليکی بوده و نرخ سود از ابتدای قرارداد مشخص می‌باشد و در کنار دیگر عقود مشارکتی به عنوان مکمل ابزار مالی برای سلایق و سرمایه‌گذاران مختلف محسوب می‌شوند، بدین معنی که این عقود بالاخص برای کسانی که ریسک گریز و به دنبال بازدهی ثابت اند، بسیار مفید است. از سوی دیگر نرخ این عقود در حقیقت قیمت و نه نرخ بهره است. وقتی قیمت تعیین شد با تأخیر در بازپرداخت تغییر نمی‌کند. همچنان، در این عقود تأمین مالی به پروژه‌ها، کالاهای و خدمات واقعی که در ارتباط با تعاملات بازار حقیقی در اقتصاد می‌باشد مرتبط می‌گردد.

۷. ثابت بودن نرخ سود در بسیاری از عقود مبادله‌ای به هیچ وجه باعث ظالمانه شدن این عقود نمی‌گردد، زیرا ظالمانه بودن ربه، که در آن نرخ سود ثابتی دریافت می‌گردد، صرفاً به سبب ماهیت قراردادی است که تحقق می‌یابد. در معاملات ربوی رابطه‌ای با بخش حقیقی اقتصاد برقرار نمی‌گردد و صرفاً پول با پول مبادله گردیده و در صورت تأخیر در بازپرداخت مبلغ تا نقطه نامشخصی افزایش خواهد یافت، در صورتی که عقود مبادله‌ای در تعامل مستقیم با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشند و پس از مشخص شدن نرخ سود به هیچ وجه افزایش نخواهد یافت.

۸. عقود مشارکتی در بردارنده تسهیلات مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات می‌باشد. این عقود براساس مشارکت در سود و زیانی است که ناشی از ورود به فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد، بنابراین، نظام مشارکتی با مشارکت در ریسک سرمایه‌گذاری سبب تشویق افراد برای ورود به عرصه‌های تولیدی می‌گردد.

۹. در نهایت به نظر می‌رسد این شیوه بانکداری در تمام رویکردهای خود اعم از تخصیص و تجهیز منابع برای برقراری رابطه مستحکم با بخش حقیقی اقتصاد است و به مرور با تفحص بیشتر در منابع فقهی اسلامی و تدوین روش‌ها و ابزارهای نوین و مصوب نمودن دستورالعمل‌های اجرایی آنها می‌توان گامی ارزنده در توسعه اقتصادی و احتراز از ورود و گسترش ربا در جامعه اسلامی برداشت.

## منابع

## الف) فارسی

۱. برهانی، حمید، (۱۳۸۸)، «تأثیر بحران‌های مالی بر بانکداری اسلامی»، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، تهران.
۲. توکلی، محمد جواد، (۱۳۹۲)، «سازوکار بانکداری اسلامی»، چاپ اول، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم.
۳. حاجیان، محمد رضا، (۱۳۹۰)، «موقع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور»، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، تهران.
۴. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۱)، «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳۱.
۵. داوودی، پرویز و محمود عیسوی، (۱۳۸۹)، «بحران اقتصادی و راه حل‌های اقتصاد اسلامی»، مجله اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی شهید بهشتی، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۰.
۶. رضایی، مجید، (۱۳۸۴)، «معاملات بازار بورس فلزات و محصولات کشاورزی در آینه‌ی فقه اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان، صص ۱۳-۳۲.
۷. فراهانی فرد، سعید؛ محمد نقی نظرپور و سارا بایی، (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی کارآیی بانک‌های اسلامی و غیر اسلامی (مطالعه موردی بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۹)»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان.
۸. فهیم خان، م، (۱۳۸۶)، «بازارهای سلف اسلامی به عنوان ابزاری جهت تجهیز منابع در مسیر توسعه»، ترجمه مصطفی منتظری مقدم، فصلنامه دین و اقتصاد، سال دوم، شماره پنجم و ششم، تابستان و پاییز، صص ۱۱۳-۱۳۹.
۹. موسویان، سیدعباس، (۱۳۸۳)، «طروحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۶.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، «ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز، صص ۴۵-۶۸.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، «صکوک مزارعه و مساقات؛ ابزار مالی مناسب برای توسعه بخش کشاورزی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان، صص ۷۱-۹۵.

۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، الف، «بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر و کارآیی بالاتر»، بیستمین همایش بانکداری اسلامی.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، ب، «مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز، صص ۹۸-۶۳.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، «تبدیل دارایی‌های بانکی به اوراق بهادر در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۴، تابستان، صص ۱۱۳-۷۹.
۱۵. \_\_\_\_\_ و احسان بازوکار، (۱۳۹۰)، «امکان سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۵۹.
۱۶. \_\_\_\_\_ و محمد امیر علی، (۱۳۹۱)، «راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۳.
۱۷. نظرپور، محمد نقی، (۱۳۹۰)، «استقلال یا عدم استقلال عقد استصناع»، مجله فقه اهل بیت، سال ۱۷، شماره ۶۷-۶۶، تابستان و پاییز، صص ۱۶۷-۱۲۱.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، «اوراق بهادر استصناع (سفرارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان، صص ۱۱۰-۸۱.
۱۹. \_\_\_\_\_، فاطمه رضایی و ایوب خزایی، (۱۳۹۰)، «تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان.
۲۰. \_\_\_\_\_ و اکبر کشاورزیان پیوستی، (۱۳۹۲)، «الزمات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا»، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال دوم شماره هفتم، زمستان.
۲۱. هدایتی، سیدعلی اصغر و همکاران، (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری.
۲۲. البنك الاسلامي الاردني للتمويل والاستثمار، نشره اعلامية رقم ۱۱، البنك الاسلامي الاردني بوصله الاهتمام للحسنين في الدنيا والآخرة، البنك الاسلامي الاردني للتمويل والاستثمار، عمان.
۲۳. حسین، فیاض عبدالمنعم، (۹۹۶ م)، *بيع المراحيحة في المصارف الإسلامية*، المهد العالمي للفكر الإسلامي، القاهرة.

## ب) انگلیسی

- 1- Beck, Th.; Demirgüt-Kunt, A. & Merrouche, O., (2013), “**Islamic vs. conventional banking: Business model, efficiency and stability**”, Journal of Banking & Finance, pp 433-447.
- 2- Chapra, M. Umer, (2009), “**The Global Financial Crisis**”, the Ministry of Education, Culture, Sports, Science and Technology, Published in Japan in June.
- 3- Chapra, M. Umer, (1985), “**Towards a Just Monetary System**”; the Islamic Foundation, Leicester.
- 4- Hanif, M., (2011), “**Differences and Similarities in Islamic and Conventional Banking**”, International Journal of Business and Social Science, Vol. 2, No. 2, February.
- 5- Institute of Latin American studies, (1986), “**The debt crisis in Latin America**”, Stockholm.
- 6- Iqbal, Z. & Mirakhor, M., (2011), “**An Introduction to Islamic Finance**”, Published by John Willy & Sons (Asia) Pte. Ltd.
- 7- Mirakhor, A., (2008), “**Lesson of the recent crisis for Islamic finance**”, IIUM J. Econ. Manag.
- 8- Rosman, R.; Abd Wahab, N. & Zainol, Z., (2014), “**Efficiency of Islamic banks during the financialcrisis: An analysis of Middle Eastern and Asian countries**”, Pacific-Basin Finance Journal 28, pp 76-90.
- 9- Siddiqi, M. N., (1983), “**Issues in Islamic Banking**”, the Islamic Foundation, Leicester.

## ج) سایت

- 1- <http://www.poolnews.ir/fa/pages/?cid=35290>

